مطالعات اسلامی: *تاریخ و فرهنگ*، سال چهل و سوم، شمارهٔ پیاپی ۸۷ ،
پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۶۷ـ۵۱

زندگانی دوازده امام (ع) در کتاب *شواهدالنبوة* جامی*

دکتر منصور داداش‌نژاد/ عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه[1]

چکیده

شواهدالنبوة عبدالرحمن جامی (د. ۸۹۸ ق) از جمله کتاب‌های نگارش یافته توسط یکی از دانشمندان اهل سنت است که با ذوقی صوفیانه نگاشته شده است. جامی در این کتاب بـه زنـدگانی پیـامبر (ص)، دوازده امام (ع) و اصحاب، با رویکرد دلائل نگارانه پرداخته و در باره امامان (ع)، همان گزارش‌هایی را ارائه کرده که بی کم و کاست در منابع شیعی یافت می‌شود. رویکـرد ایـن کتـاب تقریبـی اسـت و بـه گستردگی به نقل معجزات، کرامات و خوارق عادات ائمه پرداخته است. روند یاد کردن از مناقب ائمـه که از قرن چهارم در کتاب‌های نخستین صوفیان، آغاز شده بود، در قـرن نهـم بـا تـدوین کتـاب‌هـایی همچون *شواهدالنبوة* کامل گشت، به گونه‌ای که یکسانی و مشابهت اطلاعات در زمینه زندگانی ائمه در دو گروه منابع شیعی و سنی مشاهده می‌شود. این مقاله با بررسی بخش زندگانی و کرامات دوازده امـام (ع) در *شواهدالنبوة* و مقایسه آن با مطالب مندرج در *کشـف‌الغمـة* علـی بـن عیسـی اربلـی (د. ۶۹۲)، دانشمند شیعی قرن هفتم، در صدد نشان دادن، همخـوانی و یکسـانی منـابع اهـل سـنت و شـیعیان در خصوص گزارش زندگانی ائمه برآمده است.

کلید واژه‌ها: جامی، *شواهدالنبوة*، دوازده امام، دلائل نگاری.

---

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱۱/۱۶؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۱/۰۶/۰۸.

1 .Email: m.dadasd@yahoo.com

مقدمه

جریان تصوف در نزدیک شدن شیعیان و اهل سنت نقش موثری داشته و این همبستگی در نوشته‌های مربوط به دوازده امام نمود بیشتری یافته است. صوفیان نخستین، هنگامی که به شرح حال بزرگان طریقت می‌پرداختند، معمولاً از تعدادی از ائمه شیعه نیز یاد کرده و آنان را به عنوان اولیاء مطرح می‌کردند و ارتباط میان بزرگان صوفیه و ائمه شیعه را پی می‌گرفتند. در این کتاب‌ها مطالبی از دیدار سفیان ثوری (د. ۱۶۱) و داود طایی (د. ۱۶۵) که از مشایخ صوفیه به شمار می‌روند با امام صادق (ع) نقل می‌شود که در این دیدارها، امام صادق به ایشان سفارش‌های اخلاقی می‌دهد (عطار، ۱۳). چنان که گزارش‌هایی از پیوند صوفیانی چون شقیق بلخی (د. ۱۹۴)، معروف کرخی (د.۲۰۰) و بِشر حافی (د. ۲۲۷) با امام کاظم (ع)، ارائه می‌شود (آملی، ۲۲۴؛ ابن ملقن، ۳۲۰) و بر نمونه‌هایی از زهد امام سجاد (ع) تاکید می‌شود. آبشخور برخی روایات مربوط به ارتباط صوفیان و ائمه مانند حکایت شقیق بلخی با امام کاظم (ع) که در آن کرامات بسیاری به وسیله امام آشکار می‌شود، ابتدا در منابع سنی نقل شده و از آنجا به منابع شیعی راه یافته است (الگار، ۴۲). نقل این موارد که در کتاب‌های اولیه تصوف به صورت ضعیف رواج داشت، از قرن ششم به بعد توسعه یافت و به مرور، زندگانی ائمه، در کتاب‌هایی همچون *فرائدالسمْطین* حَمّویی (۶۴۴-۷۲۲)؛ *فصل‌الخطاب* خواجه محمد پارسا (د. ۸۲۲)، *شواهدالنبوة* جامی (د.۸۹۸) و *وسیلة الخادم الی المخدوم* ابن روزبهان خُنجی (د.۹۲۷)، خود مستقلاً محور بحث قرار گرفت.

برخی کتاب‌های صوفیه که قبل از قرن ششم تدوین شده و به اخبار ائمه و حالات ایشان توجه کرده‌اند عبارتند از: کتاب *اللُّمَع*، ابو نصر سراج (د. ۳۷۸) که از قدیمترین و معتبرترین کتب صوفیه است؛ کتاب *التَعَرّف لمذهب اهل التصوف* کلاباذی (د. ۳۸۰) که شش امام اول شیعیان را به عنوان پیشوایان صوفی یاد می‌کند. عنایت و توجه هر چند اندک کلاباذی به امامان و یاد از آن‌ها، در کتاب‌های دیگر صوفیه ادامه و گسترش یافت تا این که ابو نعیم اصفهانی (د. ۴۳۰) در *حلیةالاولیاء*، مفصل‌تر به شرح حال شش امام اول شیعیان (غیر از امام حسین) پرداخت. *کشف‌المحجوب* هجویری (د. ۴۶۵) نیز که قدیمترین نوشته به زبان فارسی در این

موضوع است به شرح زندگانی ائمه توجه نموده است.

در این کتاب‌ها که جنبه های تعلیمی در آن لحاظ شده و از خلال بررسی زندگی نامه اولیاء، الگوی مناسبی برای کسانی که قصد گام نهادن در راه تصوف دارند، تعریف می‌شود، ابتدا شرح حال «عَشَره مُبشّره [۱]» درج شده و در ادامه شرح حال دیگر صحابه و تابعین جای دارد که به تناسب از ائمه شیعه نیز یاد می‌شود. با توجه به اهداف تعلیمی در تدوین این کتاب‌ها، گاه گزارش‌هایی درج می‌شود که بهره ای از حقیقت نداشته و اخبار ارائه شده تنها در صدد ارائه چهره ای پیراسته از ولیّ است و از همین رو گاه در گزارش‌ها و اخبار، دستکاری‌هایی صورت می‌گیرد که نمونه آن خبر شاگردی بایزید بسطامی (د. ۲۶۱)، نزد امام جعفر صادق (د. ۱۴۸) است (عطار، ۱۳۹) و حال آن که فاصله زمانی ۱۱۳ ساله میان دوره زندگانی آن دو، پذیرش این خبر را نا ممکن می‌سازد. همچنین بهره گیری از زبان ادبی و حکایت در بیشتر این کتاب‌ها، هر چند در رواج آن‌ها تأثیر شایانی داشته، اما آن‌ها را از سنخ کتاب‌های صریح تاریخی دور نموده است.

آنچه در این بررسی مورد نظر است پی گیری ماهیت کتاب *شواهدالنبوة* جامی است که در دو محور شرح حال جامی و بررسی محتوای کتاب *شواهدالنبوة* بدان می‌پردازیم:

شرح حال جامی

نورالدین عبدالرحمن جامی (د. ۸۹۸)، از بزرگترین عرفا و ادبای قرن نهم هجری و از جمله شارحان عرفان ابن عربی (د. ۶۳۸)، است. او شیخ الاسلام دولت تیموری در هرات بود و سلطان حسین بایقرا (د. ۹۱۱) و وزیر دانشمند وی امیر علیشیر نوائی (د. ۹۰۶) از دوستداران و ارادتمندان وی به شمار می‌رفتند. عصری که جامی در آن می‌زیست عصری بود که تشیع رونق گرفته بود، به گونه ای که نویسندگان سنی مذهب در آثار خود از ائمه یاد کرده و عنوانی را به ایشان اختصاص می‌دادند که برای نمونه می‌توان از میرخواند (د. ۹۰۳) در *روضة‌الصفا* یاد کرد.

۱ . عشره مبشره ده تن از صحابه رسول خدا (ص) هستند که به عقیده اهل سنت، پیامبر به آنان مژده بهشت داده است. این ده تن عبارتند از : ابوبکر، عمر، عثمان، علی (ع)، سعد بن ابی وقاص، سعید بن زید، طلحة بن عبید الله، زبیر بن عوام، عبدالرحمن بن عوف، ابوعبیده جراح.

معمولاً نویسندگان سنی این دوره در کنار پذیرش خلفای نخست و صحابه کرام به امامان شیعه نیز احترام گذارده و ایشان را صاحبان کرامت و خوارق عادات می‌دانستند. جامی نیز از این دست نویسندگان بود.

جامی در اصول اعتقادات اشعری مذهب و در فروع حنفی بود و از محبان اهل بیت به شمار می‌رفت. سروده فرزدق در ستایش امام زین‌العابدین را به شعر فارسی برگرداند (جامی، *هفت اورنگ*، ۱۴۱) و با الهام از اشعار شافعی در باره محبت اهل بیت چنین سرود:

این نه رفض است محض ایمان است/ رسم معروف اهل عرفانست

رفض اگر هست حب آل نبی/ رفض فرض است بر ذکیّ و غَبیّ (همان، ۱۴۶).

در باره امام علی (ع) چنین سرود:

شیر خدا شاه ولایت علی/ صیقلی شرک خفیّ و جلیّ

روز احد چون صف هیجا گرفت/ تیر مخالف به تنش جا گرفت (همان، ۴۰۳).

جامی از سنیان تفضیلی است. این گروه در نقل فضائل چهار خلیفه اول، معمولاً از امام علی (ع) به لحاظ کمّی و کیفی فضائل بیشتری نسبت به سه خلیفه نخست نقل می‌کنند. وی در کتاب *شواهدالنبوة* در حق امام علی (ع) سی کرامت یاد کرده است که سه برابر کرامات نقل شده برای خلفای ثلاث است. البته جامی میان امام علی و شیخین پیوند و یکسانی می‌دید:

این علی در کمال خُلق و سیَر/ عین بوبکر بود و عین عمر

لعن ایشان مکن که لعنت اوست/ زشت باشد ز دوست لعنت دوست (همان، ۵۲).

جامی از تبرای شیعیان نسبت به برخی صحابه ناخشنود بود و به مقابله آن بر می‌خاست:

رفض نی بَد ز حب آل عباست/ بدی آن ز بُغض اهل وفاست (همان، ۱۴۶).

او در دیگر عقاید نیز همانند سنیان بود و ابوطالب پدر امام علی (ع) را غیر مسلمان می‌دانست:

خویش نزدیک بود با ایشان/ نسبت دین نیافت با خویشان (همان، ۱۵۱).

قاضی نور الله شوشتری که در *مجالس‌المؤمنین*، با تسامح عده‌ای از علما را شیعه معرفی کرده، جامی را سنی دانسته و گوید: بزرگان از رفتار وی در *نفحات‌الانس* که شرح حال عرفای

شیعه را نیاورده، استشمام عدوات جامی نسبت به اهل بیت نموده‌اند، همواره در مقام انکـار او بوده‌اند (شوشتری، *مجالس‌المؤمنین*، ۱۲۵/۲).

کتاب *شواهدالنبوة*

نام کامل کتاب *شواهدالنبوة لتقویة یقین اهل الفُتوّة* است. جامی این کتاب را به درخواست امیـر علیشیر نوائی (د. ۹۰۶)، به زبان فارسی تألیف کرد و چنان که از نامش پیداست در صدد اثبـات نبوت رسول خدا (ص) و ارائه شواهد بر آن است تا بر ایمان و ثبات اهل فتـوت بیفزایـد. ایـن کتاب از گونه نگارش‌های دلائل نگاری است که سنخ این دست کتـاب‌هـا بـر ذکـر امـور فـرا بشری استوار است و تلاش دارد با تکیه بر بعد ماورای طبیعی پیامبر، امامان و اولیای الهـی بـه اثبات حقانیت آنان بپردازد. این نوع نگارش‌ها، سهم قابل توجهی در جریان نگارش‌های شـیعی و اهل سنت به خود اختصاص داده است[1]. *شواهدالنبوة* در واقع ترکیبی میان دلائـل‌النبـوه‌هـا و دلائل‌الامامه‌هاست زیرا علاوه بر معجزات و کرامات رسول خـدا (ص)، بـه کرامـات ائمـه نیـز پرداخته است[2]. جامی این کتاب را پس از *نفحات‌الانس* تألیف کرد و از آنجا کـه آن کتـاب بـا شرح حال ابو هاشم صوفی (معاصر سفیان ثوری درگذشته به سال ۱۶۱) شروع می‌شود، کتـاب حاضر را به جبران کسر طبقات مقدم بر ابو هاشم صوفی در احـوال خلفـای ثـلاث، ائمـه اثنـا عشر، صحابه و تابعان نوشت. بنابراین می‌توان آن را مقدمه *نفحات‌الانس* به شمار آورد. وی در این کتاب، شواهدی که بر نبوت رسول خدا (ص) بوده را از قبل ولادت آن حضرت تا بعـد از رحلت گرد آورد و طبقه بندی نمود. پس از ارائه کرامـات و معجـزات رسـول خـدا (ص)، در ساختاری متناسب با کتاب‌های اهل سنت به کرامات خلفای ثلاث نخست پرداخت و در ادامـه کرامات دوازده امام را آورد که امام علی (ع) اولـین ایشـان اسـت. کرامـات دیگـر اصـحاب و

---

[1] .از جمله کتابهای تدوین شده اهل سنت در این موضوع می‌توان از *دلائل‌النبوة* ابـو نعـیم اصـفهانی (د. ۴۳۰) و *دلائـل‌النبـوة* بیهقی (د. ۴۵۸)، نام برد. در میان شیعیان *دلائل‌الامامة* طبری (نیمه قرن پـنجم) و *الخـرایج و الجـرایح* قطـب راونـدی (د.۵۷۳) شهرت دارد.

[2] . معجزه از پیامبر صادر مي شود و براي اثبات نبوت است؛ ولي کرامت چنین نیست و از غیر انبیا صادر مي‌شود. هر چند هر دو خارق عادت است.

تابعیان نیز در پی آمده است.

جامی در بیان کرامات ائمه همان کراماتی را که شیعیان در باره ائمه نقل می‌کنند، گرد آورده است که برخی از آن‌ها مانند بینا کردن فرد نابینا، زنده کردن حیوانات مرده، دمیدن روح به نقش حیوانات و مسخ انسان‌ها همچون معجزات انبیاء است. جامی هنگام یاد کردن از این کرامات در صحت وقوع آن‌ها هیچ تردیدی نکرده و تعبیری که نشان دهد در صدد بیان عقاید دیگران است به کار نبرده و تلقی به قبول کرده است. هنگام ورود به شرح حال هر امام، ابتدا تاریخچه ای از آن امام، شامل زمان ولادت، وفات و برخی مقاطع مهم زندگی وی را در چند صفحه به صورت محدود ارائه می‌دهد و سپس به مقصد اصلی خود که پرداختن به کرامات است می‌پردازد. موارد به شرح زیر است:

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب کرّم الله وجهه. جامی، کرامات امام علی (ع) را نه به عنوان خلیفه چهارم از خلفای نخست بلکه به عنوان امام اول از ائمه دوازده‌گانه، مورد بحث قرار می‌دهد و از او و دو فرزندش با تعبیر امیرالمؤمنین یاد می‌کند که البته از این واژه معنای لغوی نه دینی آن را اراده می‌کند، چنان که برای سه خلیفه نخست نیز چنین تعبیری به کار می‌برد. از جمله منابعی که در شرح حال امام علی (ع) از آن‌ها یاد می‌کند عبارتند از *شرح تعرف* اسماعیل مستلمی بخاری (د. ۴۳۴)، *دلائل النبوه* مستغفری (د. ۴۳۲)، *صفة‌الصفوه* ابن‌جوزی، که به صورت محدود از هر یک از این منابع، مطلبی را نقل می‌کند (همان، ۳۲۴، ۳۲۵)، اما در برشماری کرامات امام از منابع خود یادی نمی‌کند. برای آن حضرت، سی کرامت می‌شمرد که برخی کرامات نقل شده چنین است: سخن گفتن زمین با امام علی و گزارش اخبار خود به آن حضرت؛ فرو نشستن طغیان رود فرات با اشاره امام علی؛ ارائه نمونه‌هایی از اخبار غیبی امام علی (ع) مانند خبر شهادت کمیل و قنبر به دست حجاج، خبر شهادت حسین و اصحابش در کربلا؛ رخ داد حادثه رد شمس در دو نوبت برای امام علی (ع)؛ نابینا شدن زید بن ارقم به جهت عدم شهادت بر حدیث غدیر (همان، ۳۲۶ـ ۳۴۰)، که اکثر این موارد علاوه بر این که در *کشف‌الغمة* اربلی موجود است حتی ترتیب و روال آن‌ها نیز مطابق با آن کتاب است (نك: اربلی، ۲۸۱/۱، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۸۰).

امیرالمؤمنین حسن رضی الله عنه. امام حسن را امام دوم از ائمه اثنی‌عشر معرفی می‌کند و شرحی کوتاه از صلح وی با معاویه ارائه می‌دهد. برای وی دو کرامت ثبت می‌کند که این موارد به همان گونه در *کشف‌الغمة* اربلی یافت می‌شود (اربلی، ۵۲۱/۱، ۵۲۲). این موارد عبارتند از:

اِخبار از تولد فرزند پسر برای کسی که مشتاق آن بود و بارور شدن درخت خرمایی که بار نداشت در همان دم با دعای امام. اربلی پس از نقل این دو کرامت، عنوانی را به کرم و جود و نماز امام حسن (ع) اختصاص داده، که جامی نیز پس از نقل همان دو کرامت به صورت کلی می‌گوید؛ چون موارد مربوط به علم و عبادت و کرم و جود وی بسیار است از نقل آن صرف نظر می‌شود (جامی، همان، ۳۴۵؛ اربلی، ۵۲۲/۱).

جامی بر خلاف برخی تاریخ نگاران اهل شام، در یاد از معاویه و اقدامات وی، از او حمایت نمی‌کند. چنان که در باره شهادت امام حسن می‌نویسد: جعده، خاتون وی، به فرموده معاویه به وی زهر داده است (جامی، همان، ۳۴۶).

امیرالمؤمنین حسین رضی الله عنه. وی را امام سوم و ابو الائمه معرفی می‌کند و ده کرامت برای او بر می‌شمرد: اِخبار شهادت امام حسین توسط رسول خدا (ص) به ام سلمه و عائشه؛ فضیحت و ابتلای قاتلان حسین در دنیا؛ نابودی زرهایی که شمر بن ذی الجوش در میان بارهای امام حسین یافته بود، با نزدیک شدن به آتش؛ تلخ شدن گوشت شترهای به غنیمت گرفته شده از کاروان حسین؛ نوحه جنیان بر شهادت امام حسین؛ یافته شدن خون تازه در زیر سنگهای بیت‌المقدس در روز قتل حسین (ع)؛ سخن گفتن سر مبارک و نوشته شدن شعری در سرزنش قاتلان حسین بر دیوار یکی از کنیسه های روم که این موارد در *کشف‌الغمة* نیز یافت می‌شود (جامی، همان، ۳۴۷–۳۵۰؛ قس: اربلی، ۵۵۴/۱، ۵۵۸، ۵۵۱، ۶۰۳، ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۸، ۵۹۵، ۶۰۷).

پس از ذکر کرامات امام حسین، به کرامات سائر ائمه پرداخته است، جامی یاد آور می‌شود که باقی ائمه هر چند در شمار صحابه نیستند، اما برای این که سلسلة الذهب از صورت انضمام نیفتد، به کرامات باقی ائمه در همین جا پرداخته و پس از اتمام آن، به کرامات برخی

دیگر از صحابه خواهد پرداخت. این گونه یاد کردن از ائمه، شیوه‌ای بود که نویسندگان شرق جهان اسلام بدان پایبند بوده و ائمه را به صورت یک خاندان و در یک سلسله متصل به هم دیده و شرح حالشان را به همراه هم می‌آوردند.

علی بن الحسین رضی الله عنهما. ابتدا در باره زمان ولادت و وفات وی گزارش‌هایی درج کرده و مواردی از زهد و حالات عرفانی وی را نقل می‌کند. سیزده کرامات به شرح زیر برای وی بر شمرده است:

رهایی از دست نگهبانان عبدالملک بن مروان به رغم این که در غل و زنجیرشان بود؛ دیدار با حضرت خضر (ع)؛ آشنایی با زبان پرندگان؛ سخن با حیوانات مانند آهو و شتر؛ بر طرف ساختن مشکل آهوی گرفتار؛ آگاهی از زمان مرگ خویش؛ وفاداری مَرکب امام و مرگ وی بر سر قبر آن حضرت؛ شهادت حجَر الاسود بر امامت امام سجاد؛ باز کردن دست زن و مرد چسبیده به هم در کنار خانه خدا؛ آگاهی از محتوای نامه های مخفیانه عبدالملک و آگاهی از مرگ افراد. اکثر این موارد به همان ترتیب در *کشف‌الغمة* آمده است (جامی، همان، ۳۵۲–۳۵۶؛ قس: اربلی، ۶۲۱/۲، ۶۲۲، ۶۳۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴).

محمد بن علی بن حسین رضی الله عنهم. وی را امام پنجم معرفی می‌کند. ملاقات جابر بن عبداللّه انصاری و ابلاغ سلام رسول خدا (ص) به وی را گزارش کرده و ۲۱ کرامت برای وی بر می‌شمرد. کرامات نقل شده چنین است:

خبر از ویرانی کاخ هشام بن عبدالملک؛ آگاهی از قیام و قتل زید بن علی؛ جواب به پرسش پیش از سؤال؛ ملاقات جنیان با امام و پرسش از احکام دین؛ آگاهی از زمان مرگ خویش؛ سخن با حیوانات مانند گرگ؛ آگاهی از ما فی الضمیر و درون افراد؛ طی الارض؛ حرکت درخت به امر امام؛ دیدن از پشت دیوار؛ شفای بیماران مانند حُبابه والبیه؛ بینا کردن ابوبصیر نابینا؛ همراهی فرشته با امام؛ آگاهی از حیوانات دریا؛ آگاهی به زبان‌ها مانند زبان سریانی؛ پیشگویی آینده مانند اخبار حمله ازارقه به مدینه و روی کار آمدن عباسیان (جامی، همان، ۳۵۷–۳۶۷؛ قس: ۶۷۶/۲، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴).

جعفر صادق بن محمد بن علی رضی الله عنهم. وی را نواده ابـوبکر دانسـته، بـر علـم آن حضرت و دسترسی وی به جَفر و جامعه تاکید می‌کند. چهارده کرامـت بـرای وی بـر شـمرده است: هلاکت کسی که به دروغ نسبتی به امام داد؛ نـامرئی شـدن امـام؛ ظـاهر شـدن اژدهـا در دیدگان منصور هنگامی که قصد کشتن امام را کـرد؛ ارسـال انگـور و لبـاس آسـمانی بـرای آن حضرت؛ استجابت دعای امام علیه افرادی همچون داود بن علی و حکَم بن عباس؛ آگـاهی بـر حالت افراد مانند جنابت ابوبصیر؛ رهایی از زندان با دعای امام؛ زنده کردن گاو مرده؛ رویانـدن خرما از خرما بن خشک شده؛ زنده کردن پرندگان آمیخته بـه هـم همچـون حضـرت ابـراهیم؛ آگاهی از مرگ افراد (جامی، همان، ۳۶۸–۳۷۴؛ برای موارد مشـابه ر. ک: اربلـی، ۷۰۳/۲، ۷۲۴، ۶۹۶، ۷۰۴، ۷۲۵، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۵).

موسی بن جعفر رضی الله عنهما. زندانی شدن امـام در ایـام مهـدی عباسـی و هـارون را گزارش کرده و نقل کرده که امام در زندان هارون و به دستور او توسط یحیی بن خالد برمکـی با رطب زهر داده شد. برای امام هفت کرامت نوشته است:

اظهار کرامات متعدده همچون آگاهی از ما فی الضمیر و تبـدیل سـنگ ریـزه بـه نوشـیدنی گوارا برای شقیق بلخی در مسیر رفتن به حج؛ برگرداندن لباس اهدایی علی بن یقطین به جهت علم از آینده؛ آگاهی از سرنوشت خویش؛ خبر از ویرانی خانه یکـی از یـارانش؛ بیـرون آوردن دستنبد طلا از رودخانه؛ پیدا کردن دینار گم شده در میان دینارها؛ دادن جواب نامه‌هـا پـیش از مطالعـه آن‌هـا (جـامی، همـان، ۳۷۶– ۳۸۰؛ قـس: اربلـی، ۷۴۴/۲، ۷۵۴، ۷۶۶، ۷۶۹، ۷۶۷، ۷۷۱، ۷۷۶).

علی بن موسی بن جعفر رضی الله عنهم. ابتدا آگاهی‌های مربوط به تاریخ ولادت و وفات آن حضرت را ذکر می‌نماید. داستان خریدن حمیده بربریـه مـادر امـام رضـا را نقـل مـی‌کنـد. کرامات و خوارق عادات امام را بسیار می‌داند که کتاب گنجایش آن را ندارد و برای نمونه تنها تعداد ۱۴ کرامت از امام نقل می‌کند: ناکام ماندن خادمان مأمون در بی احترامی به امام بـا وزش باد و بالا رفتن پرده؛ رهایی دعبل از دست دزدان به تبرّک پیراهن امام رضا؛ پاسخ به سؤال‌هـا و تقاضاها پیش از طرح آن‌ها؛ اعطای خرما به همان تعدادی که رسول خـدا (ص) در خـواب بـه

کسی داده بود؛ شفای بیمار با دستور دارویی امام؛ خبر از زمان مرگ افراد؛ آگاهی به زبان‌ها مانند زبان سِندی؛ آگاهی از زبان حیوانات و گفتگو با آن‌ها؛ آگاهی از وضعیت و جنسیت جنین؛ آگاهی از زمان مرگ خویش؛ آگاهی از سرنوشت ولایتعهدی؛ کرامات و معجزات مربوط به دفن امام مانند آمدن فرزندش از مدینه به وسیله طی الارض به خراسان و نماز خواندن بر او که از ابوالصلت روایت می‌شود. کرامات یاد شده همان‌هایی است که در آثار شیعیان و از جمله *کشف‌الغمة* اربلی آمده است (جامی، همان، ۳۸۲–۳۹۲؛ قس: اربلی، ۸۷۵/۲، ۸۸۷، ۸۴۳، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۱۹، ۸۳۲، ۸۱۹، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۵۲، ۸۴۶).

محمد بن علی بن موسی رضی الله عنهم. وی را امام نهم معرفی می‌کند و می‌نویسد که گفته شده در عهد معتصم با سم درگذشت که صحیح نیست. جامی برخی از سخنان امام را به همان گونه که *کشف‌الغمة* آورده، نقل کرده است (اربلی، ۸۶۳/۲). پنج کرامت برای امام بر می‌شمرد: میوه دادن درخت نارسیده به تبرک آب وضوی امام؛ طی الارض و کمک به زندانی شامی؛ آگاهی از زمان درگذشت خویش؛ آگاهی از مرگ افراد و آگاهی از پیش آمدها (جامی، همان، ۳۹۴–۳۹۶؛ قس: اربلی، ۸۷۰/۲، ۸۷۱، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶).

علی بن محمد بن علی رضی الله عنهم. وی را امام دهم معرفی می‌کند. به نقلی مشهد امام هادی را در قم می‌نویسد و در پی آن اظهار می‌کند که این سخن صحیح نیست و مدفون در قم فاطمه بنت موسی بن جعفر است. نُه کرامت برای امام شمرده است: شفای بیماری متوکل به راهنمایی امام؛ دیدن امور غیر ظاهر؛ آگاهی از جنسیت جنین؛ آگاهی از آینده افراد؛ احترام و سکوت پرندگان برای امام؛ تبدیل شدن نقش شیر به شیر درنده به دستور امام و بلعیدن شعبده باز (جامی، همان، ۳۹۸–۴۰۰؛ قس: اربلی، ۸۸۸/۲، ۸۹۲، ۸۹۴، ۹۰۲، ۹۰۱، ۹۰۶).

حسن بن علی بن محمد رضی الله عنهم. وی را امام یازدهم معرفی می‌کند و هفت کرامت برای وی بر می‌شمرد که بیشتر موارد یاد شده در باره آگاهی امام از درون افراد است: بر آورده کردن نیاز مالی افراد بدون اظهار و به همان میزان تقاضا؛ رام کردن اسب وحشی؛ استخراج اموال از زمین؛ پاسخ به پرسش پیش از سؤال؛ آگاهی از مرگ افراد (جامی، همان، ۴۰۱–۴۰۴؛ قس: اربلی، ۹۱۶/۲، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۳، ۹۲۷).

محمد بن حسن بن علی رضی الله عنهم. وی را امام دوازدهم معرفی کرده و گوید که امامیه وی را ملقب به حجت، قائم، مهدی، منتظر و صاحب‌الزمان کرده‌اند و وی نزد ایشان پایان دهنده دوازده امام است که گمان می‌کنند وارد سرداب سامرا شده و دیگر از آن خارج نشده است. سخنان حکیمه عمه امام حسن عسکری که شاهد تولد حضرت مهدی بوده را گزارش می‌کند. سپس از قول امامیه نقل می‌کند که برای وی دو غیبت اثبات می‌کنند و آن دو غیبت را شرح می‌دهد. متن توقیع امام برای علی بن محمد سمری که شش روز پیش از وفاتش آن را آشکار کرد، ارائه می‌کند. جامی به رغم اینکه در شرح حال دیگر ائمه، مطالب را به گونه ای نقل می‌کند که حاکی از پذیرش وی است، اما در شرح حال امام زمان در مواردی مانند رفتن امام به سرداب و بیان دو غیبت وی، اظهار می‌دارد که این موارد از معتقدات شیعیان است. در عین حال در نقل کرامات امام تردیدی به خود راه نداده و تولد امام زمان را همراه با کراماتی همچون آشکار نبودن علائم حمل در مادر امام تا هنگام تولد فرزند و سخن گفتن امام هنگام تولد و تولد به کیفیت خاص نقل کرده است. یک نمونه از کرامات امام در دوران غیبت کبری را نیز آورده که مربوط به شفای بیمار است. این داستان به همان گونه و با تفصیل بیشتر در *کشف‌الغمة* آمده است (اربلی،۹۹۲/۲) و منابع دیگر به نقل از وی آورده‌اند. چنان که جامی نیز از همان کتاب استفاده کرده است.

جامی در ادامه با استناد به *جامع‌الاصول* ابن اثیر احادیثی از اهل سنت در باب مهدی را یاد کرده است. سپس نظر ابن عربی (د. ۶۳۸) و علاء الدوله سمنانی (د. ۷۳۶)، را در باره امام مهدی می‌نویسد. ابن عربی، مهدی را از فرزندان فاطمه می‌داند که همنام رسول خدا (ص) و کنیه‌اش، کنیه جدش امام حسن بن علی است که عارفان با وی بیعت خواهند کرد. امام نیز زبان حیوانات را می‌فهمد و عدلش در میان انس و جن جاری خواهد شد (جامی، همان، ۴۱۰). نظر علاء الدوله سمنانی را نیز چنین نقل می‌کند که محمد بن حسن عسکری به مرتبه قطبیت رسیده و هنگامی که به اختفاء رفته داخل در دائره ابدال شده و مدارج را طبقه طبقه طی کرده تا این که به سیادت رسیده است. در آن موقع قطب علی بن حسین بغدادی بوده که چون در می‌گذرد، امام بر وی نماز می‌خواند و به مدت نوزده سال بر جای وی بر مسند قطبیت

می‌نشیند، سپس امام از دنیا می‌رود و به جای وی عثمان بن یعقوب جوینی می‌نشیند و بر امام نماز خوانده و وی را در مدینه دفن می‌کند (جامی، همان، ۴۱۱). جامی، سخن علاء الدوله سمنانی را که مخالف عقاید رایج شیعیان است، به همین گونه نقل کرده و نقدی بر آن‌ها وارد نکرده است.

وی در پایان نقل کرامات ائمه می‌نویسد که کرامات اهل بیت منحصر در این دوازده تن نیست گر چه ایشان به مزید فضیلت اشتهار یافته‌اند زیرا که اهل فضیلت و کمال از اهل بیت بسیار بوده‌اند چه در طبقه ائمه مذکورین و چه متأخر از آن که بعضی متأخران در *نفحات‌الانس* ذکر شده‌اند. سپس به کرامات باقی صحابه کرام مانند سعید بن زید بن عمرو بن نفیل، عمار یاسر و دیگران پرداخته است. روشن است که جامی این کرامات و خوارق عادات را منحصر در دوازده امام نمی‌داند و دیگران را نیز شریک این راه می‌داند و حال آن که شیعیان برخی فضائل مانند علم گسترده و رفتارهای منبعث از آن را مخصوص و منحصر در ائمه می‌دانند (کلینی، ۱۹۲/۱، ۲۲۳؛ مجلسی، *بحارالانوار*، ۲۴۱/۲۶).

شیوه

جامی در ذکر کرامات هر امام ابتدا کلیاتی در باره وی به اختصار نقل کرده و سپس به کرامات و خوارق عادات وی می‌پردازد. منابع خود را آشکار نمی‌کند و از آوردن اسناد پرهیز می‌کند و یادآور می‌شود که چون قصد اختصار داشته از آوردن اسناد، امتناع کرده است. ضمن آن که چون هدفش از تدوین این کتاب افزودن بر یقین اهل فتوت بوده، ارائه اسناد را سبب طولانی شدن متن و مانع دسترسی مطلوب به هدف خود می‌دیده است (جامی، همان، ۸۰). او تلاش می‌کند متن فارسی پیراسته‌ای ارائه کند و اظهار می‌کند که متن فارسی بهره بیشتری برای مخاطبان خواهد داشت، با وجود این در میان متن‌های فارسی، عبارات عربی را نیز نقل کرده است که این موارد اندک است. از به‌کارگیری صنایع ادبی و عبارت پردازی پرهیز کرده است زیرا که مخاطب او توده مردم و به ویژه اهل فتوت و جوانمردان اهل حقیقت بوده‌اند. چنان که سعی در گزیده گویی دارد و از تکرار مطالب پرهیز می‌کند و چون داستان رد شمس را در دو

جای آورده، تاکید می‌کند که نقل بار دوم نه از باب تکرار بلکه از باب تفاوت روایت بوده است (جامی، همان، ۳۳۵).

در آوردن اخبار و گزارش‌ها به ارائه اصل خبر اکتفا می‌کند و چنان که حذف برخی نام‌ها به اصل خبر لطمه ای نزند آن‌ها را حذف می‌کند و در برگردان روایاتی که رفتار ناشایستی را از برخی ثبت کرده‌اند، قلم بر گرفته و در ترجمه فارسی گزارش، نام آن افراد را حذف کرده است. برای نمونه نام یکی از اصحاب امام باقر (ع) را که با کنیز آن حضرت رفتار ناشایستی کرد، به رغم تصریح به نام وی در متن اصلی، حذف کرده است (جامی، همان، ۳۶۱). او به سهم خود نمی‌خواسته به حیثیت افراد لطمه ای وارد شود.

جامی از آوردن کراماتی که در حد معجزات انبیاء بوده (مانند زنده کردن مردگان، مسخ افراد و سخن گفتن در کودکی) برای ائمه بیمی ندارد و این موارد را بدون نقد می‌آورد و به رغم این، گاه اطلاعات تاریخی ناصواب را تصحیح می‌کند، در یاد کردن از کرامات، رویکرد نقادانه ندارد؛ به گونه‌ای که خواننده با نگریستن به این بخش از کتاب و بدون در نظر گرفتن دیگر بخش‌ها، جامی را نویسنده‌ای شیعی می‌داند.

منابع

جامی در تدوین این کتاب از منابع اندکی بهره برده است و چند منبع که از آنان نام برده، آثار نویسندگان سنی است. وی در بخش زندگانی ائمه از کتاب‌هایی همچون *شرح تعرف* مستملی بخاری، *دلائل‌النبوة* مستغفری، *صفة‌الصفوه* ابن‌جوزی و *جامع‌الاصول* ابن اثیر یاد می‌کند، اما در یاد و شمارش کرامات ایشان از منابع خود ذکری نمی‌کند، هر چند در مقایسه مطالب وی با منابع شیعی، به روشنی مشخص می‌شود که وی به کتاب‌های نویسندگان شیعی مراجعه کرده و از آن‌ها بهره برده است، زیرا مطالب نقل شده در باره کرامات ائمه، در این کتاب به لحاظ محتوا و هم در چینش مطالب، مشابه همان کراماتی است که در منابع شیعیان آمده است. مهمترین منبعی که وی از آن استفاده کرده و نامی از آن به میان نیاورده است، *کشف‌الغمة* اربلی

است که در مقایسه مطالب این دو کتاب به خوبی این موضوع روشن می‌شود، به گونـه ای کـه حتی در برخی موارد ترتیب مطالب در این دو کتاب یکسان است.

جامی به هیچ عنوان نمی‌خواسته اسـتفاده‌اش از منـابع شـیعی را آشـکار کنـد و یـاد کـردن گزینشی از منابع می‌توانسته در راستای هدف از تدوین کتاب باشد، زیـرا بـا توجـه بـه هـدف تعلیمی جامی از تدوین کتاب، لزوم و نیازی به ارائه منابع به صورت مبسوط نبوده و ذکر منابع در حد ضرورت انجام گرفته است، اما به هر حال او از رویه یکسانی پیروی نکرده است و تنها برخی منابع سنی خویش را بر شمرده است. البته از سوی دیگر می‌تـوان یـاد نکـردن از منـابع شیعی را ناشی از ملاحظه جامی برای در موضع اتهام قرار نگرفتن و فرار از اتهام شـیعی گـری و به تبع از اعتبار افتادن کتاب وی دانست.

هر چند در میان سلسله نقشبندیه، خواجـه محمـد پارسـا (د. ۸۲۲) در زمینـه پـرداختن بـه زندگانی ائمه پیشگام است و در کتاب *فصل‌الخطاب* (ص، ۴۵۸) عنوانی را به بیان فضائل خلفا و اهل بیت اختصاص داده و به شرح احـوال دوازده امـام (ع) پرداختـه اسـت، امـا او همچـون جامی در صدد بررسی زندگانی ائمه از دریچه نقل کرامات و خوارق عادات نبوده و کمتـر بـه این مسائل پرداخته و بیشتر در صدد بیان نکات اخلاقی، معنوی و تـاریخی زنـدگانی ائمـه بـر آمده است. گرایش این دو کتاب در ترسیم زندگانی ائمه متفاوت است هر چند زنـدگانی آنـان در هر دو کتاب پر رنگ‌تر از زندگانی خلفا به بحث گذاشته شده است. پارسـا در برخـورد بـا روافض تندتر از جامی است و عنوانی را به مذمت ایشان اختصاص داده است (*فصل‌الخطـاب*، ۴۷۱). چنان که جامی در نقل مطالب منظم‌تر و منسجم‌تر از پارسا عمل کرده است، امـا پارسـا مطالب حاشیه‌ای فراوانی در لابلای مطالب اصلی ذکر می‌کند.

جایگاه

شواهدالنبوة پس از تألیف، بسآمد بسیار و جایگاه ویژه‌ای یافت و بخش مربوط به ائمـه آن بـه عنوان منبعی برای نوشته‌های بعدی به ویژه نوشته‌هایی که خاستگاهشان شرق جهان اسلام بود، قرار گرفت. ملاحسین کاشفی (د. ۹۱۰) که معاصر جامی بود در *روضةالشهداء* مکرر بـه کتـاب

شواهدالنبوة استناد و مطالب مربوط به ائمه را از آن نقل می‌کند (کاشفی، ۳۸، ۱۳۱، ۱۶۴، ۱۸۵، ۳۴۰، ۴۴۵ و موارد دیگر). خواند میر (د. ۹۴۱) در *حبیب‌السیر* از این کتاب نقل می‌کند (خواند میر، ۹۱/۲)، چنان که دیاربکری (د. ۹۶۶)، در مقدمه *تاریخ‌الخمیس*، کتاب *شواهدالنبوة* را از منابع خویش برمی‌شمرد (دیاربکری، ۲/۱) و موارد قابل توجهی را در شرح حال ائمه از آن نقل می‌کند. همچنین درویش حسین کربلایی (د. ۹۹۷)، در *روضات‌الجنان* در شرح حال ائمه از این کتاب بهره برده است (کربلایی، ۳۹۰/۲). نویسنده کتاب *حدیقة‌الشیعة* (منسوب به مقدس اردبیلی (د. ۹۹۳)، به کتاب *شواهدالنبوة* جامی عنایت نشان داده و برخی از کرامات و خوارق ائمه را از این کتاب نقل می‌کند (مقدس اردبیلی، ۵۵۷/۴، ۵۵۹، ۵۶۲، ۸۶۱، ۹۶۲). قاضی نور الله شوشتری (د. ۱۰۱۹)، در *الصوارم المهرقه* دو مورد از کتاب *شواهدالنبوة* جامی نقل می‌کند که این موارد در باره صدور خوارق عادات و کرامات از ائمه است (شوشتری، *الصوارم المهرقه*، ۴۹، ۲۵۲). حلبی (د. ۱۰۴۴)، در *السیرة‌الحلبیة* یک مورد از *شواهدالنبوة* نقل می‌کند که درباره اولین دیدار سلمان فارسی با رسول خدا (ص) است (حلبی، ۲۷۴/۱). کشفی (د. ۱۰۶۰) در *مناقب مرتضوی* بیش از ۳۵ بار از این کتاب استفاده برده (کشفی، ۱۳، ۶۷، ۱۶۶ و موارد دیگر)، چنان که مجلسی (د. ۱۱۱۱)، در *بحارالانوار* از *شواهدالنبوة* نقل می‌کند که ولادت امام باقر در سال ۵۷ بوده است (مجلسی، *بحارالانوار*، ۲۱۷/۴۶). همچنین مجلسی در کتاب دیگرش *حق‌الیقین* درباره معجزات ائمه و در موضوع اثبات وجود امام زمان و غیبت آن حضرت مطالبی را از *شواهدالنبوة* نقل می‌کند (مجلسی، *حق‌الیقین*، ۲۸۷، ۲۹۷). این کتاب مورد استفاده سپهر (د. ۱۲۹۷) در *ناسخ‌التواریخ* بوده است (سپهر، ۱۸۵۴/۴). محدث نوری (د. ۱۳۲۰) در *نجم‌الثاقب* با این که جامی را از دشمنان امام علی (ع) و ناصبی می‌شمرد از کتاب *شواهدالنبوة* وی مطالبی درباره تولد امام زمان نقل می‌کند که مطابق آرای شیعه است (نوری، *نجم الثاقب*، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۰۲، ۳۵۹، ۷۹۶). همچنین وی در *خاتمة‌المستدرک* (نوری، ۳۸۰/۱) و *نفس‌الرحمان فی فضائل سلمان* به این کتاب ارجاع می‌دهد (نوری، *نفس‌الرحمان*، ۷۵، ۹۲).

نویسندگان متأخر شیعه مانند میرحامد حسین در *عبقات‌الانوار* و مرعشی در ملحقات *احقاق‌الحق* مطالبی را درباره ائمه از *شواهدالنبوة* نقل می‌کنند.

با توجه به آنچه گذشت، آشکار است که این کتاب به جهت آن که به زبان فارسی بوده، در شرق جهان اسلام و حوزه زبان فارسی رواج داشته، اما در غرب جهان اسلام که از زبان عربی رواج داشته مورد استقبال قرار نگرفته است.

نتیجه

برای ریشه یابی روایات مربوط بـه ائمـه و یـافتن اصـالت شـیعی و یـا سـنی آن، نیازمنـد بررسی‌های مفصل‌تر و آگاهی از دیدگاه‌ها و جریان‌های فکری هـر دوره و آورده‌هـای مکاتـب مختلف فکری و جریان‌های تاریخ نگاری در این زمینه خواهیم بود. آنچه روشن است تـأثیر و تأثر منـابع شـیعی و سـنی از یکـدیگر و وامـداری آن‌هـا از هـم اسـت کـه در بررسـی کتـاب *شواهدالنبوة* و مقایسه آن با *کشف‌الغمة* اربلی آشکار گشت. اربلی در به سامان رسـاندن کتـاب *کشف‌الغمة*، به صورت گسترده از منابع اهل سنت استفاده کـرده، چنـان کـه جـامی در تـدوین بخش زندگانی ائمه از *کشف‌الغمة* اربلی بهره بسیار برده است. به نظر می‌رسد، اندیشه بررسـی زندگانی بزرگان از دریچه نقل کرامـات و خـوارق عـادات کـه در میـان صـوفیه و عرفـا رواج داشت، زمینه مساعدی برای گسترش این نوع نوشته‌ها و تعمیم آن به زندگانی ائمه بوده است.

کتابشناسی

آملی، سید حیدر، *جامع الاسرار و منبع الانوار*، تصحیح هانری کربن، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸.

ابن ملقن، ابو حفص عمر بن علی، *طبقات الاولیاء*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطـا، دارالکتـب العلمیـه، بیروت،۱۴۲۷.

اربلی، علی بن عیسی، *کشف‌الغمة*، تحقیق سید احمد الحسینی، شریف رضی، قم،۱۴۲۱.

الگار، حامد، «امام موسی کاظم و اخبار اهل تصوف»، *مجلـه معـارف*، ۱۳۷۲، ش، ۲۹، ۳۰، ص ۴۲ تـا ۵۵.

پارسا، خواجه محمد، *فصل الخطاب*، تحقیق جلیل مسگر نژاد، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۱.

جامی، عبدالرحمن، *شواهدالنبوة*، به کوشش سید حسن امین، میر کسری، تهران، ۱۳۷۹.

ــــــــــــــ ، *مثنوی هفت اورنگ*، تصحیح: مرتضی مدرس گیلانی، اهورا، تهران،۱۳۸۵.

حلبی، ابوالفرج، *السیرة الحلبیة*، دارالکتب العلمیة، بیروت،۱۴۲۷ ق.

خواند میر، حبیب *السیر*، کتابفروشی خیام، تهران.

دیاربکری، حسین بن محمد، *تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس*، دار صادر، بیروت، بی تا.

سپهر، محمد تقی لسان الملک، *ناسخ التواریخ*، اساطیر، تهران، ۱۳۸۰.

شوشتری، قاضی نور الله، *الصوارم المهرقه*، مطبعة النهضه، طهران،۱۳۶۷.

شوشتری، قاضی نور الله، *مجالس المومنین*، کتابفروشی اسلامیه، تهران،۱۳۷۷.

طبری، محمد بن جریر، *دلائل الإمامة*، بعثت، قم،۱۴۱۳ ق.

عطار، فریدالدین، *تذکرة الاولیاء*، تصحیح محمد استعلامی، زوار، تهران،۱۳۸۶.

قطب راوندی، *الخرائج و الجرائح*، مدرسة الإمام المهدی عجّ، قم، ۱۴۰۹ ق.

کاشفی، ملا حسین، *روضة الشهداء*، تحقیق عقیقی بخشایشی، نوید اسلام، قم،۱۳۸۱.

کربلایی، حافظ حسین، *روضات الجنان و جنات الجنان*، تصحیح جعفر سلطان القرائی، ستوده، تبریز، ۱۳۸۳.

کشفی، محمد صالح الحسینی، *مناقب مرتضوی*، تصحیح کورش منصوری، روزنه، تهران،۱۳۸۰.

کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.

مجلسی، محمد باقر، *بحارالانوار*، دار الکتب الاسلامیه، طهران،۱۳۶۲.

مقدس اردبیلی، *حدیقة الشیعة*، تصحیح صادق حسن زاده، انصاریان، قم،۱۳۸۳.

نوری، میرزا حسین، *خاتمه المستدرک*، موسسه آل البیت، قم، ۱۴۱۵.

نوری، میرزا حسین، *نجم الثاقب فی أحوال الإمام الغائب*، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۴.

نوری، میرزا حسین، *نفس الرحمان فی فضائل سلمان*، تحقیق جواد القیومی، موسسة الافاق، قم، ۱۴۱۱.